

دیدم که پندهای پدر تقد عمر بود کان مهربان بطرح بمن برپراکنید
 این عمرها به تجربت ما کفاف نیست ناداشته بتجربت دیگران امید
 خوش آنکه در صباوت قدر پدر شناخت
 شاد آنکه در جوانی پند پدر شنید

﴿ ابوطیب مصعبی ﴾

﴿ وزرای آل سامان ﴾

در دو بار سامانیان چهار نفر وزیر بزرگ بوده اند که خدمات بسیار بادیات و علوم ایران کرده اند ولی بدبختی را که در کتب تاریخ ایران چنانکه باید و شاید حق ایشان برگذارده نشده و جز اسمی و اندک اشاره ای چیز دیگر از ایشان نمانده است و برای آنکه پاس خدمات ایشان گذارده شود و راهی بر تاریخ ایران گشاده گردد آنچه از تصفح و تتبع در باره این چهار مرد بزرگ بدست می آید مرور در صحایف ارمنیان انتشار خواهد یافت . این چهار مرد از حیث قدمت زمان ابوالفضل بلعمی و ابوطیب مصعبی و ابوعلی جیهانی و ابوعلی بلعمی است و جای آن بود که آغازاً بنام ابوالفضل بلعمی پردازم ولی چون در باب وی و پسرش ابوعلی بلعمی خاطرها و شبهها در میان آمده است بناچار باید در باب پدر و پسر که هر دو از بزرگان ما بوده اند بیک جای بحث کرد و آنرا موکول بختامت این مقالات می دارم .

در باب ابوطیب مصعبی وزیر نصرین احمد [۳۰۱ - ۳۳۱] و ممدوح رودگی که از بزرگان زمان خویش بوده و در علم و سخا از سرآمدان زمانه بشمار می رفته کتب تاریخ فروگذاری بسیار کرده اند و ذکر مختصری فقط در چند جا از او رفته است و از همین اشارات اندکی می توان در احوال وی تتبع کرد

از جمله اشاراتی که در حق اوست اشارت است در تاریخ مسعودی ابو الفضل بیهقی [۱] که گوید: « چنان خواندم در اخبار سامانیان که نصر احمد سامانی هشت ساله بود که از پدر بماند که احمد را بشکار گاهی بکشتند و دیگر روزان کودک را بر تخت ملک نشانند . بجای پدر . آن شیر بچه ملک زاده ای سخت نیکو برآمد و بر همه اداب ملوک سوار شد و بی همتا آمد . ا مادر وی شرارتی و زعارتی و سطوتی و حشمتی بافراط بود و فرمانهای عظیم می داد از سر خشم تا مردم از وی در رسیدند و باین همه بخورد و جوع کردی می دانست که آن اخلاق ناپسندیده است يك روز خلوتی کرد با بلعمی که برزک تر از وزیر بود و بوطیب مصعبی صاحب دیوان رسالت و هر دو یگانه روزگار بودند . در همه ادوات فضل و حال خویش بتمامی با ایشان براند »

گردیزی در زین الاخبار (۲) در انجام شهر یاری نصر بن احمد می نویسد: « . . . شغل تدبیر از ابو الفضل محمد بن عبید الله البلعمی سوی ابو علی محمد بن محمد الجیهانی شد و محمد بن حاتم المصعبی خلاف کرد و کارهایی نظام شد . . . » ازین دو کتاب چنین برمی آید که ابوطیب مصعبی صاحب دیوان رسالت نصر بن احمد بود و چون در او ان کودکی و آغاز شهر یاری وی این مقام داشته است واضحست که در زمان احمد بن اسمعیل نیز دارای این مقام بوده و از رجال دربار پدر بود که در پادشاهی پسر نیز بجای ماند . چنانکه بلعمی نیز همین حال داشت و در شرح احوال او ذکر خواهد شد و از آن پس در زمان نصر بن احمد روز کار برودگر گون شد و بر مخدوم خویش خلاف آورد

ابو منصور عبد الملك بن محمد بن اسمعیل نیشابوری ثعالبی مورخ و ادیب

[۱] چاپ کلکته ص ۱۷۱ و چاپ طهران صفحه ۱۰۱

(۲) چاپ برلن - ص ۳۲

معروف قرن پنجم ایران در کتاب یقیمة الدهر (۱) مختصر ترجمه حالی ازین وزیر نکاشته است :

« ابوطیب المصعبی محمد بن حاتم — در همه کارهای معاشرت و ندیمی و اسباب ریاست و وزارت معروف و مشهور بود ، دست وی در کتابت با برق همچومی کردی و خامه او در روش چون کشتی و خط او گاشن دیدگان و بلاغت وی املائی عطار د و شعرش در دو زبان نتایج فضل و میوه های عقل و چون بر امیر سعید نصرین احمد بواسطه فزونی محاسن و وفور مناقب مسلط شد و او وی را وزیر خویش گردانید و ندیمی خود اختیار کرد زمانی نگذشت که برو چشم زخم رسید و آفت وزارت بروی پیچید و پس زمین را از خون او سیراب کرد (۲) . . . »

[۱] چاپ دمشق — ج ۴ — ص ۱۵

(۲) ابوطیب المصعبی محمد بن حاتم — کان فی جمیع ادوات المعاشرة و المنادمة وآلات الریاسة والوزارة علی ما هو معروف مشهور و کانت یدیه فی الکتابة ضرة البرق و قلمه فلکی الیعرى و خطه حذیقة الحدق و بلاغة مستملاة من عطار د و شعره باللنسا زین نتایج الفضل و ثمار العقل و لما غاب علی الامیر السعید نصرین احمد بکثرة محاسنه و وفور مناقبه و وزله مع اختصاصه بمنادمة امرتطل به الايام حتی اصابته عین الکمال و ادر کته آفته الوزارة فسقى الارض من دمه و من مشهور شعره و سائر قوله

اختلس خطک فی دنیاک من ایدی الدهور

و اغتمتم یوما ترجمیه بلهو و سرور

واصنع العرف الی کل کفور و شکور

لک ما تصنع و الکفران یزری بالکفور

وقوله فی ذم الشباب

لمراقل الشباب فی کنف الله و فی ستره غداة استقلا

واز آن پس ابیاتی چند از شعر تازی آورده است که در فصاحت طاقست و در ذیل این صجایف نقل کرده شد. از اینجا اشکارا می شود که مصعبی پس از آن از صاحب دیوانی رسالت بوزارت نصر بن احمد رسیده و شاید پس از آنکه بلعمی فرمان یافته باشد، یعنی بسال ۳۲۹ و عاقبت کشته شده ولی تاریخ کشته شدن او را بدست نداده اند.

در جزو نسخ خطی عربی کتابخانه ملی پاریس (۱) کتابت به علامت ai3335 باسم «المحمد و من الشعراء» تألیف وزیر جمال الدین ابی الحسن علی بن القاضی الاشرف یوسف القعظی معروف بابن قعظی مؤلف مشهور و متوفی در ۶۴۶ که در ورق ۶۹ رویه دوم تا ۷۰ رویه اول آن شرح مختصری از مصعبی هست و دوست فاضل من آقای میرزا عباس خان اقبال خود از آن نسخه برداشته است

زائر زارنا مقیم الی ان سودا یصحف بالذنوب و ولی

و قوله فی غلام اعجمی

بأبی من لسانه اعجمی واری حسنه فصیح الکلام

و یروی له ما کتب به الی اعرض اخوانه

غبت فلم یاتنی رسول و امر یقل علیه علیه

هیئات لو کنت الی خلیلا فعات ما یفعل الخلیل

وله

الیوم یوم بکور، علی نظام سرور، و یوم غرف قیان، مثل تمایل الجور

ولا تکا، حیاد، تروی بغیر صغیر

و وقع فی کتاب

قد قلت لمان قرأت کتابکم عض الممل بنظر ام الکاتب

و با کمال ملاحظت بمن عطا کرده و ان چنینست .

« محمد بن حاتم ابو طیب المصعبی - از شعرا و وزرا و ندما و روسای خراسان بود و در هر يك از کارها بکمال رسید و خاطری و قاد و خامه‌ای روان داشت و بفزونی محاسن و بسیاری مناقب بر امیر نصر بن احمد چیره شد و وی او را وزیر خویش گردانید و بهم نشینی خود برگزید و روز گاری نگذشت که بدو چشم زخم رسید و آفت وزارت بر او پیچید و زمین از خون وی سیراب شد [۱۰۰] »
 پیداست که این مطالب را ابن قعطی از همان کتاب ثعالبی برگرفته است و ازان پس همان اشعاری را که در یتیمه الدهر از وثبتست آورده .

مصعبی در دوزبان پارسی و تازی شاعر فحل بوده از شعر پارسی او جز این بیت چیزی نمانده است . این قطعه معروف که بخط اشعراى دیگر قرن چهارم مانند رودکی و دقیقی بسته اند از وست و در تاریخ بیهقی (۲) یاسم او ثبت آمده است :

جهانا همانا فوسی و بازی	که بر کس نپائی و باکس نسازی
چوماه از نمودن چو خور از شنودن	بگاهر بودن چو شاهین و بازی
چو زهر از چشیدن چو چنک از شنیدن	چو باد از وزیدن چو العاس گازی
چو عود قماری و چون مشک تبت	چو عنبر سرشته یمان و حجازی

(۱) محمد ابن حاتم ابو طیب مصعبی . من شعراء خراسان و وزرائها و ندمائها و رؤسائها فی کمال ذالک کمال و کان له خاطر و قلم جار غالب علی الامیر نصر ابن احمد بکثرة محاسنه و وفور مناقبه و وزر له مع اختصاصه بمنادته و لم تطل به الايام حتی اصابته عين الکمال ادرکنه افة الوزاره فسقى الارض من دمه من مشهور شعره

(۲) چاپ کلکته ص ۶۶ - ۶۷ ؛ که صریحاً بنام مصعبی است و چاپ طهران ص ۳۸۴ که نام شاعر از انجا افتاده است

بظاهر یکی بیت پر نقش ادر
 یکی را نعیمی یکی را جهیمی
 یکی بوستانی برا کنده نعمت
 همه از مایش همه پر نمایش
 هر از تست شهمات شطرنج بازان
 چرا زیر کاند بس تنک روزی
 چرا عمر طاوس و دراج کوتاه
 صد و اند ساله یکی مرد غرچه
 اگر نه همه کار تو باژ گونه
 جهانها همانا ازین بی نیازی
 و در فرهنگ جهانگیری در لغت (غرچه) بیت ۱۱ و ۱۲ این قطعه صریحا
 بنام ابی طیب مصعبی آمده است

طهران - فروردین ماه ۱۳۰۹

(سعید نقیسی)

تقل ازیک جنک آقای ملک الشعراء بهار

حکیم فردوسی طوسی

بگوش هوش بشنو نائنه خوش
 وگرداری خرد دستور خود ساز
 همیشه تا توانی ای برا در
 مشو باهشت کس دمساز و همراز
 حسودو بی وفا نادان و ظالم
 بخیل و کاذب و نااهل و غماز

(۱) رودکی بیتی دارد بهمین مضمون :

چرا عمر گر کس دو صد سال و یحک
 نماید فزون تر ز سالی پرستو

بوعلی سینا

باهر خسی زروی هوا دوستی مدار
باهر کسی ز ساده دلی راز خردم گوی
با مردم مزور بد اصل بد گهر
در گوی مردمی ز بی دوستی مپوی
گر بایدت که کم نشود ابروی تو
فرمازو اختلاط فرومایگان مجوی
در ابروی کوش ازیرا که ابروی
چون کم شود بدو نپذیرد زاب روی

مجدد الملک یزدی

صاحب هنران گوش بمالش دادند
وز حسرت و غم سینه بنالش دادند
پشت هنر آنروز شکستند درست
کاین بی هنران پشت بدالش دادند

بخامه م. پاره

امیرالدین مسعود

مهندس نخجوانی

معاصر اتابک محمد بن ایبادگز [متوفی در ۵۸۱ هـ] و طغرل بن ارسلان (۵۹۰ هـ) بوده است و نام وی در ضمن قصه ذیل ماخوذ از کتاب عجایب البلدان آمده و یک رباعی نادر از او ذکر افتاده است.

کتاب عجایب البلدان نسخه ایست که اسباب تامل مطالعه کنندگان کتب قدیمه شده است، ابن کتاب بزبان فارسی و دارای حکایات و قصص کوچک از عجایب برو بحر-عالمست، و نسخه ناتمامی از آن در نزد محرر این اوراق موجود میباشد - چیزی که اسباب تامل است اینکه در آغاز این کتاب مینکارد:

«چنین گوید ابوالمؤید البلیخی رحمه الله علیه که مرا از طفلی هوس گردیدن عالم بود و از بازرگانان و مردم اهل بحث عجائبها بشنیدم و آنچه در کتب خواندم جمله بنوشتم و جمع کردم و از بهر پادشاه جهان امیر خراسان ملک شرف (کنده)

ابوالقاسم نوح بن منصور مولی امیرالمؤمنین، تا اورا از آن مطالعه مؤانست بود، و حق نعمت اورا گذارده باشم که بر من و عالمین واجبست، توفیق میسر باد»